

غدهای سرطانی بنام واعظ طبسی!

در پنهان‌ترین محافل حکومتی، به آشکاری روز می‌دانند که آیت‌الله واعظ طبسی در تمامی توطئه‌های بزرگی که در جمهوری اسلامی به وقوع می‌پیوندد مستقیماً دست دارد و هزینه این توطئه‌ها نیز از کیسه خلیفه خراسان تامین می‌شود!

هر هفته یک تا دو تن از رهبران مافیای قدرت و ثروت خود را به با هواپیما به مشهد به می‌رسانند و با وی دیدار و گفتگو می‌کنند. این سفرها و مذاکرات، نه تنها شامل حال اعضای مجمع تشخیص مصلحت، هیات رئیسه مجلس خبرگان رهبری، رئیس قوه قضائیه و رئیس دادگستری تهران، اعضای اصلی شورای نگهبان، دادستان‌های دادگاه ویژه روحانیت و رئیس دادگاه انقلاب، رهبران موقوفه اسلامی، بلکه رئیس دفتر ویژه رهبر و پیک‌های ویژه او نیز می‌شود! و این در صورتی است که خود وی رسمی و غیر رسمی، برای رایزنی با هواپیمای اختصاصی به مشهد نرود!

هر حادثه‌ای در جمهوری اسلامی، در پایان خط ارتباطی خود به مشهد وصل می‌شود، حتی پیگیری اظهارات تحریک آمیزی که این روزها از دهان تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران بیرون می‌آید نیز به پشتیبانی واعظ طبسی و تسلطی که او بر "رهبر" بعنوان فرمانده کل قوا دارد چنین بی‌محابا عنوان می‌شود. اظهاراتی که بلافاصله تلویزیون جمهوری اسلامی آنها را پخش می‌کند و چند روزنامه‌ای که قطب‌نمای آنها مشهد را نشان می‌دهد، تحریک‌آمیزترین بخش‌های این اظهارات را با تفسیرهایی که خود به آن می‌افزایند منتشر می‌کنند. مرکزی‌ترین نکات این اظهارات و تفسیرهای متعاقب آن تهدید دولت و مجلس به اعلام حالت فوق‌العاده در کشور است.

در اوج فشار افکار عمومی، در ارتباط با قتل‌های زنجیره‌ای، علی‌فلاحیان که نخستین هیات پیگیری پرونده قتل‌ها به نام و نقش او رسیده‌بود و محمدخاتمی بر احضار او برای تحقیقات پای می‌فشارد، فلاحیان به مشهد و واعظ طبسی پناه برد و تا پس از بازداشت اکبر گنجی و عمادالدین باقی در آنجا ماند. قوه قضائیه‌ای که واعظ طبسی بر کار آن نظارت کامل دارد، چنان پرونده‌قتل‌های زنجیره‌ای را سرهمبندی کرد و بجای مجرمین، روزنامه‌نگاران افشاگر را به زندان افکند، که علی‌فلاحیان جسارت کرد خود را کاندیدای ریاست جمهوری کند!

سردار غلامرضانقدی، فرمانده ضد اطلاعات نیروهای انتظامی، که طراح قتل عبدالله نوری و شکنجه‌گر شهرداران نواحی تهران بزرگ بود، سرانجام پس از تمام فشارهای دولت خاتمی، تنها از فرماندهی ضد اطلاعات به قسمت برنامه‌ریزی و تدارکات نیروهای انتظامی منتقل شد. او از جمله فرزندان معاودین عراق است و سال‌ها در کمیته ویژه وابسته به آستانقدس رضوی گارد ویژه واعظ طبسی بود و از آنجا، با دستور طبسی فرماندهی ضد اطلاعات نیروهای انتظامی را برعهده گرفت! او نیز اکنون، مانند حجت‌الاسلام حسینیان و علی‌فلاحیان فارغ از افشاگری‌های مطبوعات و با امید فراموشکاری مردم، در سازمان اطلاعات و امنیتی که بطور غیر قانونی تشکیل شده و تحت نام "اداره اماکن" فعالیت می‌کند فعال است. سردار ذوالقدر، جانشین فرمانده سپاه پاسداران که این روزها امریکا را

به خرج جان و مال مردم بی‌پناه ایران به دوئل دعوت می‌کند نیز از جمله تنگداران آیت‌الله واعظ طبسی در ابتدای انقلاب ۵۷ بود و تحت حمایت و پشتیبانی او تا مقام قائم‌مقامی فرماندهی سپاه پیش آمده‌است! سردارانی که به خرج مردم ادعای رشادت دارند و هنوز کسی از آنها نپرسیده‌است چرا این رشادت را در سال‌های پایانی جنگ با عراق از خود نشان ندادید و به قول هاشمی رفسنجانی در دو کتاب خاطراتش، گریز از جبهه جنگ و پناه در ستاد جنگ در تهران را به خطر مرگ در جبهه‌ها ترجیح داده بودید!

حمیدرضانقدی، عضو ارشد شورای رهبری جمعیت موقوفه اسلامی، بدستور مستقیم واعظ طبسی در رهبری این جمعیت قرار گرفته تا گزارش فعالیت‌های سیاسی، مالی و نظامی این جمعیت را مستقیماً برای واعظ طبسی ببرد و نقش پل ارتباطی را داشته باشد.

مرتضی نبوی، مدیرمسئول روزنامه "رسالت" گزارش کار و گردش مالی بنیاد رسالت را مستقیماً در اختیار واعظ طبسی می‌گذارد و از وی رهنمود می‌گیرد. نظر و پیشنهادی که از سوی واعظ طبسی به جلسه مجمع تشخیص مصلحت می‌آید، حرف و نظر آخر است، حتی اگر از دهان هاشمی رفسنجانی عنوان شود!

گلبدین حکمتیار، که اکنون دولت نمی‌داند او را به کدام نقطه جهان منتقل کند تا از شر این مامور سابق سازمان اطلاعات مرکزی امریکا خلاص شود، هنوز در خراسان است و تصمیم نهائی در باره او را واعظ طبسی می‌گیرد! فردی که دولت کنونی افغانستان وعده محاکمه او را بعنوان جنایتکار جنگی داده‌است و نه تنها در سال‌های گذشته، بلکه در همین دوران اخیر نیز نقش مشاور در امور افغانستان را برای فرماندهان سپاه قدس داشته‌است!

هیچ مبارزه‌ای با فساد سیاسی و اقتصادی نمی‌تواند در ایران آغاز شود، پیش از آنکه تکلیف بنیاد عظیم مالی تحت مدیریت و مالکیت واعظ طبسی روشن شود. بنیادی که ثروت آن را تا ۳۵ میلیارد دلار تخمین می‌زنند. از زعفران تایباد تا گاز سرخس زیر نظر و تحت مالکیت اوست و محرمانه‌ترین اسناد جمهوری اسلامی و اسناد بجا مانده از رژیم گذشته نیز در بایگانی آستانقدس رضوی به امانت گذاشته شده، در اختیار واعظ است!

تمام روحانیونی که نامشان به نوعی در اسناد ساواک شاهنشاهی ذکر شده بود، بتدریج تحت حمایت واعظ طبسی اگر در خراسان هم مستقر نشدند، در شهرهای دیگر استقرار یافتند تا آب‌های انقلاب از آسیاب بریزد و آنها بتوانند در حساس‌ترین ارگان‌های امنیتی، نظامی و سیاسی جای بگیرند. اکنون چنین است. کافی است. پرونده‌های اسناد انقلاب اسلامی و پرونده‌های اسناد ملی را از آرشیو آستانقدس بیرون بکشند تا نام این افراد در ارگان‌های یاد شده بیرون بیاید. این اسناد و اوراق بندهای وابستگی این روحانیون به تشکیلات دربارگونه واعظ طبسی در خراسان است.

آن حکمی که رهبر کنونی جمهوری اسلامی، پس از انتخاب به این مقام از سوی مجلس خبرگان رهبری، برای واعظ طبسی صادر کرد و او را تا پایان عمر تولیت آستانقدس رضوی اعلام داشت، پیوندی ناگسستنی بین رهبر و واعظ طبسی را تداعی می‌کند، که حاصل آن همین دست دراز آیت‌الله واعظ طبسی در کلیه امور سیاسی، نظامی و اقتصادی در جمهوری اسلامی است. بموجب کدام سنت، قانون و ادله مذهبی حکم مادام‌العمر برای واعظ طبسی صادر شد؟ این سؤال مردم است و سرانجام نیز در زمان ممکن، مردم خود این سؤال را در برابر رهبر کنونی جمهوری اسلامی خواهند گذاشت!